

# گفتار برانگیخته

سیاست اجراگری

نویسنده:

جو دیت باتلر

ترجمه:

مرتضی فرهادی طولی

راحیل گل گیری



نشر شدت

Sheddad.com

گفتار برانگیخته

سیاست اجراگری

از

جودیت باتلر

ترجمه و ویرایش از مرتضی فرهادی طولی و راحیل گل‌گیری



نشر شدت

Sheddad.com

سرشناسه:

باتلر، جودیث، ۱۹۵۶ - م.

عنوان و نام پدیدآور :

گفتار برانگیخته: سیاست اجراگری/جودیث باتلر؛

ترجمه مرتضی فرهادی‌طولی و راحیل گل‌گیری

مشخصات نشر :

تهران: نشر شدت، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری:

۳۶۰ص: ۴؛ ۱۴/۵×۲۱/۵س.م.

شابک :

۹۷۸-۶۲۲-۰۸-۱۹۷۷-۶ ریال ۱۸۰۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت :

Exitable speech: a politics of the performative, عنوان اصلی:

۱۹۹۷

شناسه افزوده :

فرهادی‌طولی، مرتضی، ۱۳۶۳ ، - مترجم

**کلیه حقوق این اثر متعلق به نشر شدت می‌باشد**

**و هر گونه انتشار و توزیع آن به هر نحو پیگرد قانونی دارد**

جهت مشاهده و سفارش سایر کتاب‌های نشر شدت به آدرس زیر مراجعه نمایید:

Sheddat.com



**نشر شدت**

**Sheddat.com**

۲.....	یادداشت مترجم:
۱۰.....	تشکر و قدردانی
۱۲.....	مقدمه: درباره آسیب‌پذیری زبانشناختی
۳۶.....	صداهاى غیرمنتظره
۴۹.....	جایگاه‌های سخن
۵۷.....	کنش گفتار به عنوان استیضاح
۶۶.....	عمل آزارنده نام‌ها
۹۱.....	(۱) اعمال سوزاننده، گفتار آزارنده
۱۳۴.....	از گفتار نفرت تا پورنوگرافی
۱۴۲.....	(۲) اجراگریهای حاکمیت
۱۶۳.....	مکینین و منطق گفته‌های پورنوگرافی
۱۷۱.....	بحث‌های عمومی
۲۰۶.....	(۳) واژه‌های مسرى
۲۰۶.....	پارانویا و هم‌جنسگرایی در ارتش
۲۵۰.....	(۴) سانسور تلویحی و عاملیت استدلالی
۲۵۱.....	مقابله با سانسور
۲۷۷.....	کنش‌های گفتار از نظر سیاسی
۳۱۳.....	قدرت اجراگری ضمنی
۳۲۲.....	یادداشت‌ها

## یادداشت مترجم:

جو دیت باتلر در کتاب گفتار برانگیخته با بررسی مباحث مربوط به زبان و گفتار نفرت، پورنوگرافی و همجنس‌گرایی در ارتش ایالات متحده آمریکا، استدلال می‌کند که کلمات در زبان می‌توانند آزارنده باشند و این آزار زبانی خود می‌تواند نوعی خشونت باشد. وی همچنین اشاره می‌کند که آثار آنها معمولاً از کنترل گوینده خارج است و توسط ساختارهای قدرت شکل می‌گیرد. باتلر توجه خود را در این کتاب به گفتار و رفتار زندگی سیاسی معاصر معطوف می‌کند و تلاش می‌کند تا گفتار را به عنوان رفتاری که موضوع بحث‌های سیاسی و سوژه‌شدگی هستند، قرار دهد. او در این کتاب عملکرد آزارنده واژه‌ها را بررسی می‌کند و پیشنهاد می‌کند، اگرچه زبان یک نوع اجراگری است و قدرت تولید و ایجاد آثار سیاسی و آزارنده‌ای را دارا است، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که

جوڈیث باتلر

بہتر است زبان به عنوان یک صحنه و یا نمایش آزار قلمداد شود و نہ علت آن. وی همچنین اشارہ می‌کند کہ یک نگاہ حاکم از جایگاہ بالا نسبت بہ زبان وجود دارد کہ باعث می‌شود واژہ‌هایی را کہ ما در گفتار خود بہ کار می‌گیریم بہ عنوان فرم‌های رفتار ما قلمداد شود. باتلر آثار آزارندہ زبان را از طریق کنش‌های گفتار در فلسفہ و زبان‌شناسی، پروندہ-های دادگاہ‌ها، گفتار نفرت، منتقدان پورنوگرافی و ہمین‌طور محدودیت-ها و ممنوعیت‌های گفتار ہمجنس‌گرایان در ارتش ایالات متحدہ آمریکا، آشکار می‌کند.

باتلر در کتاب گفتار برانگیختہ استدلال می‌کند کہ گفتار کاملاً شبیہ بہ عمل نیست. از نظر وی تلفیق محافظہ‌کارانہ گفتار و کردار نہ عملیاتی است و نہ سازندہ، بلکہ این ایدہ برای یک درک و فہم آزادی بیان است کہ موضوعاتی مستقل و محدود را در نظر می‌گیرد. باتلر در این کتاب با مہارت نشان می‌دہد کہ چگونه قدرت مخالفت زبان در مہایت ناسازگار و پویای آن و توانایی آن در مناسب و خنثی کردن کلماتی کہ معمولاً زخم می‌زنند، قرار دارد. وی همچنین بہ دنبال این است کہ چرا برخی گفتارهای نفرت نماد آزادی بیان هستند، درحالی‌کہ اشکال دیگر آن بہ‌راحتی در معرض سانسور قرار می‌گیرند. باتلر اعتقاد دارد کہ بدن یک نہاد مادی یا طبیعی نمی‌باشد، بلکہ طبق یک ساختار بندی فرهنگی برساختہ می‌شود. برای وی جنسیت و ہویت جنسیتی چیزی از پیش موجود و طبیعی نبودہ؛ بلکہ حاصل دلالت‌ها و دلالت‌گری‌های بافت‌های ہنجارمند اجتماعی است. وی ادعا می‌کند کہ میل بہ ہویت‌یابی قبل از

سوژه‌شدگی به‌واسطه ساختارهای اجتماعی بر ساخته می‌شود. ساختارهای اجتماعی سیاست هویتی را ترتیب می‌دهند تا از این طریق میل به هویت را به انقیاد کشانده و دست به همسان‌سازی و هنجارمند کردن هویت‌های جنسی زنند تا از این طریق بدن‌های همسان را به‌راحتی تحت کنترل و نظارت خویش درآورند. باتلر در کتاب گفتار برانگیخته برای روشن کردن هنجارمندسازی‌های هویتی در جوامع سرمایه‌داری و سیاست‌زده کنونی از دیدگاه زبان‌شناختی و آزار زبانی وارد این بحث می‌شود و برای به چالش کشیدن آنها سیاست اجراگری را معین می‌کند.

در مقدمه باتلر با استفاده از نظریه کنش گفتار آستین در حوزه زبان‌شناسی اجراگری را در حوزه زبان‌شناختی مطرح کرده و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. برای مثال اگر در بحث زبان‌شناسی اشاره‌گری به معنی گفتن آنچه هست باشد، در اجراگری در اصل متکی بر کنش‌های تأثیرگذاری است که از زبان برمی‌خیزد و از آن هم فراتر می‌رود. در واقع باتلر هر گفتاری را که از هنجارهای اجتماعی فراوی کرده و دست رد بر سینه آنها می‌زند را در قالب یک گفتار آزارنده و همین‌طور گفتار نفرت قرار می‌دهد. در واقع باتلر در اینجا بر چگونگی استیضاح کردن زبان افراد در گفتمان متمرکز است و با این کار خصوصیات اصلی عملکرد گفتمان سیاسی را ترسیم می‌کند. وی با استفاده از متن‌های تونی موریسون و شوشانا فلمن، استدلال می‌کند که زبان و بدن نه کاملاً قابل تفکیک هستند و نه به سادگی یکسان هستند، بلکه با هم صحبت می‌کنند تا اثری را که به عنوان موضوع صحبت اجتماعی نامیده می‌شود، تولید کنند. بنابراین

جو دیت باتلر

تهدیدهای کلامی، نوعی تهدیدهای جسمی نیز هستند. بدن نقطه کور گفتار است، آنچه بیش از آنچه گفته می‌شود عمل می‌کند، اما در گفته‌هایش نیز عمل می‌کند. هنگامی که رابطه بدن و گفتار از بین برود، سانسور با فرضیات علیت بین کلمه و عمل نگران‌کننده‌تر می‌شود.

در فصل اول باتلر استدلال می‌کند که معانی زبان سیال و موقت است و ثابت نمی‌باشد. گوینده نمی‌تواند بر تفسیر گفتار خود کنترل کاملی داشته باشد. زیرا وقتی که گوینده در موقعیت گوش دادن و صحبت کردن قرار می‌گیرد کلمات خود در روابط فرهنگی و اجتماعی بزرگ‌تری قرار می‌گیرند. گوینده همواره در درون تاریخی از گفتار قرار دارد که او را ترغیب می‌کند معانی را که قبلاً گفته شده و شکل گرفته است را به واژه‌ها اضافه کند و به همان شکل آنها را در فضاهای عمومی بیان کند. بنابراین گفتارها در داخل و توسط مجموعه وسیع‌تری از قوانین یا مقررات گفتمانی محدود می‌شوند و در حوزه قانون و اجرا منبع قدرت را نشان می‌دهند.

در فصل دوم باتلر بر رفتارهای کلامی و گفتار نفرت اشاره دارد و آن را از طریق اجراگری‌های عمومی و رفتارهای قدرت و یا حاکمیت نشان می‌دهد. از نظر وی رفتار کلامی تعمیم‌های ناجوری از درک عادی و ساده از گفتار را نهادینه می‌کند؛ برای مثال، سوزاندن یک پرچم یا حتی یک صلیب ممکن است به عنوان گفتار برای اهدافی قانونی و شرعی تعبیر شود. این تصمیمات حاکی از آن است که زبان نباید قدرت انجام آنچه را که می‌گوید داشته باشد، بلکه دولت باید در تنظیم گفتار، این کار



را انجام دهد. وقتی گفتار در بعضی موارد عملی آسیب‌زا می‌شود و در موارد دیگر آزادی بیان باقی می‌ماند، واضح است که یک تئوری گفتار و نه یک راه‌حل حقوقی، همان چیزی است که فوراً مورد نیاز است. از این‌رو وی اشاره می‌کند که طرح‌های پیشنهادی برای تنظیم گفتار نفرت در دانشگاه، در محل کار و سایر حوزه‌های عمومی باعث ایجاد مجموعه‌ای از نتایج و عواقب سیاسی ضدونقیض و دوسویه شده است. حوزه زبان به حیطه‌ای ممتاز تبدیل شده است که در آن می‌توان از علت و معلول آزار اجتماعی استعلام کرد.

در فصل سوم باتلر با مباحثی مربوط به همجنس‌گرایی در ارتش ایالات متحده آمریکا استدلال می‌کند که کلمات می‌توانند آزارنده باشند و این آزار نیز خود می‌تواند نوعی خشونت باشد. در واقع وی اشاره می‌کند که سیاست علیه همجنس‌گرایان در ارتش بر این فرض استوار است که فرد خود را به عنوان یک همجنس‌گرا معرفی کند که رفتار وی با یک فرد دیگر، به شیوه همجنس‌گرایانه بوده و این نوع رفتار، همجنس‌گرایی را مسری می‌کند.

در فصل چهارم نیز وی با اشاره بر سانسور و پورنوگرافی ادعا می‌کند که در سانسور پورنوگرافی به نظر می‌رسد دادگاه‌ها با استدلال‌های فمینیستی که نمایندگی پورنوگرافی یک عمل تبعیض‌آمیز است موافقت می‌کند. وی اشاره می‌کند، این استدلال که کنش‌های گفتار خاصی وجود دارند که به جای اینکه گفتار باشند، کاملاً به عنوان رفتار تعبیر می‌شوند، مسئله سانسور را دور می‌زند. به نظر می‌رسد سانسور محدودیت گفتار

است و اگر گفتار نفرت یا پورنوگرافی یا خود-اظہاری همجنس‌گرایی دیگر به عنوان گفتار شناخته نشود، آنگاه دیگر محدودیتی بر هر یک از آن فعالیت‌ها وجود نخواهد داشت تا سانسور بشود. اگر محدود به تعریف قانونی سانسور نباشیم، در موقعیتی خواهیم بود که بپرسیم، چگونه همان مقررات تمایز بین گفتار و رفتار، در خدمت یک فرم بسیار تلویحی از سانسور عمل می‌کند. بنابراین، این ادعا که گفتار مسلم، گفتار نیست و تحت سانسور قرار نمی‌گیرد، از پیش سانسور را اعمال کرده است. در واقع، این اعمال خاص سانسور از مرزهای تعریف قانونی فراتر می‌رود، حتی اگر قانون را به عنوان یکی از ابزارهای خودش به کار بگیرد.

در ترجمه عنوان اصلی این کتاب نظرها و ترجمه‌های مختلفی از طرف مترجم‌ها و دوستان ارائه شده است. ترجمه‌هایی مانند گفتار تحریک‌آمیز، گفتار تحریک‌پذیر، گفتار تحریک‌کننده، گفتار هیجان‌زده و مواردی از این قبل. اما به نظر می‌رسد عنوان این کتاب به یک اصطلاح حقوقی اشاره دارد که به گفتارها و سخنان برانگیخته‌ای اشاره دارد که معمولاً در شهادت‌ها و یا اعترافات گفته می‌شوند و نمی‌توان از آنها در دادگاه‌ها استفاده کرد، چرا که تحت فشار و یا در یک محیط فیزیکی و روانی در شرایطی خاص گفته شده‌اند. باتلر روشن می‌کند که ما هرگز به طور کامل بر گفته‌های خود مسلط نیستیم. نه بر خود گفته‌ها و نه بر اعمال ناشی از آنها. وی در مقدمه همین کتاب اشاره می‌کند که در قانون، سخنان برانگیخته‌ای که زیر شکنجه و به اجبار گفته می‌شوند، معمولاً

اعترافاتی هستند که نمی‌توانند در دادگاه مورد استفاده قرار گیرند، زیرا منعکس‌کننده وضعیت روانی متعادل گوینده نیستند. فرض من این است که گفتار همواره به طریقی از کنترل ما خارج است. از این رو من عنوان «گفتار برانگیخته» را برای این کتاب برگزیده‌ام، گرچه با توجه به سایر مباحث مطرح شده در این کتاب عنوان گفتار تحریک‌کننده نیز عنوان مناسبی به نظر می‌رسد.

در این اثر سعی شده است واژه‌های ترجمه شده از نقطه نظر زبان-شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات جنسیت و حقوق استفاده شود. گرچه ممکن است در به‌کارگیری این واژه‌ها اشتباهاتی هم مشاهده شود که از خواننده محترم درخواست می‌کنم که برای آگاهی بنده و همکارانم برای ترجمه‌های آتی آن را به ما گوشزد کرده و اطلاع دهند. بسیاری از واژه‌ها هستند که یا ابداع خود نویسنده هستند و یا اینکه مقصود نویسنده از آن واژه‌ها معنای دیگری غیر از معنای نخستین یا اولیه آنها است، گرچه بسیار دشوار است که بتوان واژه مناسبی را که مقصود نویسنده است در زبان فارسی پیدا کرد، ولی من و همکارم نهایت سعی خود را کردیم تا این امر میسر شود. از طرفی دیگر در متن ترجمه، واژه انگلیسی‌ای که نویسنده در متن اصلی به کار برده است در پاورقی نیز آورده شده است چرا که ممکن است ترجمه برخی از آن واژه‌ها از طرف من و همکارم برداشت نادرستی شده باشند.

نکته‌ای که می‌بایست در همین ابتدا به آن اشاره کنم این است که برخی از موضوعات این کتاب ممکن است با اصول اعتقادی و یا اخلاقی

جو دیت باتلر

برخی همخوانی نداشته باشد و به گفته‌هایی بربخوریم که با فرهنگ جامعه ما سازگار نباشند. اما از خواننده آگاه تقاضا می‌کنم به این نکات توجه داشته باشند که اولاً انتقال آن مطالب در ترجمه، صرفاً به حکم ضرورت و رعایت امانت‌داری و وفاداری به متن اصلی بوده است و ثانیاً این کتاب، اثری علمی و پژوهشی است و باید قبول کرد که علم زبانی بی‌پرده برمی‌گزیند و بی‌پروا سخن می‌گوید و به تبعیت از علم باید بی-پروایی‌اش را برتابید.

در انتها باید به این نکته اشاره کنم که در ترجمه فصل اول این کتاب از ترجمه مهدی سلیمی، ک. میرزاده و ت. عبدالهی که در مجله زغال شماره پنجم با عنوان سیاست اجراگری آمده است، استفاده شده و کمک گرفته شده است. همین‌طور از دکتر سروناز تربتی و دکتر فروغ کاظمی بابت نکته‌های ارزشمندشان در رابطه با ترجمه این کتاب تشکر می‌کنم. همین‌طور لازم می‌بینم که از نشر شدت و جناب آقای نیما حیاتی‌مهر بابت راهنمایی‌هایشان قدردانی کنم. بیشتر از همه از دوست و همکار عزیزم راحیل گل‌گیری نهایت تشکر را دارم که در انجام این ترجمه مرا همراهی کرد. چراکه بدون همکاری و مساعدت ایشان این ترجمه هرگز به پایان نمی‌رسید.

مرتضی فرهادی طولی<sup>۱</sup>

---

farhady.morteza@gmail.com<sup>۱</sup>

## تشکر و قدردانی

این پروژه بدون حمایت سخاوتمندانه انجمن علمی تحقیقات علوم انسانی دانشگاه کالیفرنیا واقع در دانشگاه اروین، و کمک هزینه تحقیقات دانشکده بخش علوم انسانی در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به پایان نمی‌رسید. من همچنین از وندی براون، رابرت گودینگ - ویلیامز، جوان وی اسکات، دایانا فاس، هایدن وایت، موریس کاپلن، هورنی بهابها، جانت هالی، رابرت پست، و دریکلا کورنل به خاطر پاسخگویی با نظرات مفید به بخش‌هایی از نسخه خطی در حال انجام، تشکر می‌کنم. اعتراف می‌کنم که نتوانستم به تمام پیشنهادهای ارزشمند و مهم آنها توجه کنم. همچنین از دایو ویتنبرگ، والرئ راس، جین مالمو، و گیل سالامون برای کمک‌های تحقیقاتی‌شان تشکر می‌کنم. مثل همیشه، از مورین مک

جو دیت باتلر

گروگن به خاطر راهنمایی‌های ویراستاری ارزشمند و سخاوتمندانه‌اش قدردانی می‌کنم.

بیشتر از همه از دانشجویانم در دانشگاه برکلی و مؤسسه آموزشی دارتموث به خاطر نقد و بررسی که در طول تابستان ۱۹۹۵ انجام شد تشکر می‌کنم، چرا که مسیرها و روش‌هایی را به من نشان داد که باعث شد توجه من به آن جلب شود تا بتوانم در مورد آنها فکر کنم که در غیر این صورت هرگز نمی‌توانستم متوجه آنها بشوم.

فصل اول در جستارهای منتقدانه ۲:۲۳ (زمستان ۱۹۹۷) منتشر شد، و فصل دوم ابتدا در ساختارگرایی در آمریکا: مفهوم جدیدی از سیاست، به کوشش آنشن هاورکامپ (نیویورک: نیویورک انتشارات دانشگاهی، ۱۹۹۵) و سپس در مجله اجرا و اجراگری به کوشش ایو کوسوفسکی و اندرو پارکر مجدداً چاپ شد (نیویورک: روتلج، ۱۹۹۵).

«گفتار نامناسب<sup>۱</sup> زیانی است برای همه کنش‌هایی که جانشین می‌شوند، آنهایی که ویژگی کلی مراسم آئینی یا تشریفاتی را دارند، و همه کنش‌های که قراردادی یا مرسوم هستند».

«روش‌های تخطی گفتار بیش از تناقض است».

جی. ال. آستین<sup>۲</sup>

### مقدمه: درباره آسیب‌پذیری زبان‌شناختی<sup>۳</sup>

وقتی که ادعا می‌کنیم توسط زبان آزار<sup>۴</sup> دیده‌ایم، در واقع داریم چه نوع ادعایی می‌کنیم؟ ما عاملیتی<sup>۵</sup> را به زبان نسبت می‌دهیم، یک قدرت آزارنده و موقعیت خودمان را به عنوان یک اُبژه یا هدف در مسیر آن قرار می‌دهیم. ادعا می‌کنیم که زبان عمل می‌کند و در واقع بر علیه ما عملی را انجام می‌دهد و البته این ادعایی که داریم بیشتر مصداقی و نمونه‌ای از یک زبان است، آنچه که نهایت سعی خود را می‌کند تا از آن نیروی لحظه اولیه جلوگیری و ممانعت کند؛ بنابراین، حتی زمانی که ما به دنبال آن هستیم که به عملکرد زبان واکنش نشان دهیم و با آن مقابله کنیم، خود را

---

infelicity<sup>۱</sup>

John Langshaw Austin<sup>۲</sup>

ON LINGUISTIC VULNERABILITY<sup>۳</sup>

injured<sup>۴</sup>

agency<sup>۵</sup>

جو دیت باتلر

درگیر قیدوبندهایی می‌بینیم که هیچ سانسور و یا ممیزی نمی‌تواند از آن ممانعت کند، بنابراین ما خود نیروی زبانی را اعمال می‌کنیم.

اگر ما فردی با این معنا و مفهوم، یعنی فردی زبان‌شناخت، موجودی که به زبان نیاز دارد تا بتواند وجود داشته باشد، نبودیم، آیا باز زبان می‌توانست بر ما آزار برساند؟ آیا آسیب‌پذیری ما از زبان در نتیجه شکل‌گرفتن ما در چارچوب واژه‌های آن است؟ اگر ما در زبان شکل می‌گیریم، پس قدرت سازنده و شکل‌دهنده بر هر تصمیمی که ممکن است درباره آن بگیریم مقدم بوده و آن را محدود کرده است و از همان ابتدا، به وسیله همان قدرت اولیه خود ما را مورد آزار قرار می‌دهد.

\*\*\*

باین‌حال، باید توجه داشت که آزار مقدار متناسب خاص خود را در طول زمان نشان می‌دهد. یکی از اولین فرم‌های آزار زبانی که فردی فرامی‌گیرد، فراخوانده شدن با یک نام است. اما تمام نام‌های فراخوانده شده آزارنده نیستند. در واقع، فراخوانده شدن توسط یک نام، یکی از شروطی است که به وسیله آن یک سوژه در حال شکل‌گیری در زبان قرار می‌گیرد؛ در واقع این نمونه‌ای از مثال‌هایی است که آلتوسر<sup>۱</sup> برای درک «استیضاح»<sup>۲</sup> بیان می‌کند [۱]. آیا قدرت زبان برای آزدن از قدرت استیضاحش ناشی می‌شود؟ اگر چنین است، چگونه عاملیت زبان‌شناختی از این وضعیت توانمندی آسیب‌پذیری که دارد پدیدار می‌شود؟

---

Althusser<sup>۱</sup>  
Interpellation<sup>۲</sup>



مسئله گفتار آزارنده این سؤال را مطرح می‌کند که چه کلمه‌هایی زخم می‌زنند؟ چه ارائه‌هایی آزار می‌رساند؟ پیشنهاد می‌کند که بهتر است بیشتر بر روی آن قسمت از زبان توجه کنیم که به زبان آورده شده و بیان می‌شود. بخش‌هایی که قابل بیان، واضح و روشن هستند. با این حال، آزار زبان‌شناختی ظاهر می‌شود تا نه تنها از طریق کلمه‌ها تأثیر خودش را بگذارد، بلکه از طریق حالت خود خطاب کننده، یعنی یک سرشت<sup>۱</sup> و یا یک حالت قراردادی، شروع به استیضاح کرده و یک سوژه را برمی‌سازد<sup>۲</sup>.

یک فرد به راحتی توسط نامی که فراخوانده می‌شود مشخص نمی‌شود. در فراخوانده شدن توسط یک نام آزار رسان بر روی فرد اعمالی انجام شده و فرد تحقیر می‌شود. اما نام احتمال دیگری را نیز نگه می‌دارد: با فراخوانده شدن یک نام، به یک فرد، به طور تناقض آمیزی امکان مسلم و آشکاری برای وجود در جامعه داده می‌شود و در درون یک زندگی جسمانی زودگذر زبانی شروع شده و پا را از اهداف اولیه‌ای که به عنوان یک موجود فراخوانده شده است، فراتر می‌گذارد. بدین ترتیب ممکن است یک گفتار آزارنده ظاهر شود تا یک فرد را در مکالمات شکل بدهد و یا از بین ببرد و همین‌طور ممکن است یک واکنش اختیاری غیرقابل پیش‌بینی شده‌ای را تولید کند. اگر فردی که مورد خطاب قرار گرفته است به معنای این باشد که استیضاح شده است، در این صورت سخن توهین‌آمیز، خطر شروع عملی را نشان می‌دهد که سوژه بخواهد در

---

<sup>۱</sup>disposition

<sup>۲</sup>constitute

جو دیت باتلر

گفتار خود برای مقابله با سخن توهین‌آمیز از زبان استفاده کند. وقتی که می‌گوییم یک خطاب آزارنده است و نیرویش را بر روی فردی که آزار داده است قرار می‌دهد، منظورمان از این نیرو چیست و چطور می‌توانیم تمایزات آن را درک کنیم؟

ج. ال. آستین پیشنهاد می‌کند، برای اینکه بدانیم چه چیزی شدت عمل یک سخن مؤثر را قوام می‌بخشد و خصلت اجراگری آن را به وجود می‌آورد، در درجه اول می‌بایست به این نکته توجه کنیم که سخن باید در «موقعیت یک گفتار کامل»<sup>۱</sup> [۲] ساخته و پرداخته شود. با این وجود راه ساده‌ای وجود ندارد که تصمیم بگیرد تا چه اندازه‌ای کلیت آن را محدود کند. بررسی آستین حداقل از دید خودش، یک دلیلی را برای چنین مشکلی تهیه کرده است. آستین بین «کنش غیر بیانی»<sup>۲</sup> و «کنش پس بیانی»<sup>۳</sup> تمایز قائل می‌شود. کنش غیر بیانی، کنش گفتاری است که در گفتار انجام می‌شود، یعنی چیزی که بیان می‌شود و در همان لحظه که گفته می‌شود، انجام می‌شود. کنش پس بیانی، کنش گفتاری است که پیامد آن، آثار خاصی را تولید می‌کند. با گفتن چیزی عمل خاصی انجام می‌شود. کنش غیر بیانی خودش عملی است که تأثیر گرفته است و کنش پس بیانی تنها تأثیرات خاصی را هدایت می‌کند که همانند خودش کنش گفتاری نیستند.

---

Total speech situation<sup>۱</sup>

Illocutionary act<sup>۲</sup>

Perlocutionary act<sup>۳</sup>

هر محدودیت و حد و مرزی از کل کنش گفتار در چنین نمونه‌های غیر بیانی بدون شک شامل درکی از این مطلب خواهد بود که چگونه در لحظه سخن‌گفتن به چنین قاعده خاصی استناد شده است. آیا کسی که به آنها استناد کرده است دارای این قدرت و اختیار است و یا اینکه شرایط استناد سازی درست هستند. اما چطور کسی می‌تواند این نوع «معیار قراردادی»<sup>۱</sup> که به وسیله کنش‌های غیر بیانی فرض شده است را محدود کند؟ چنین سخنانی، آنچه را که آنها در موقعیت گفتار بیان کرده‌اند را انجام می‌دهند. آنها نه تنها مرسوم یا مطابق آیین و قاعده<sup>۲</sup> هستند، بلکه به گفته آستین «آیین یا تشریفات»<sup>۳</sup> هستند. به گونه‌ای که سخن‌ها به همان مقدار که در یک مناسک آیینی شکل داده شده‌اند عمل می‌کنند و وجود آنها، در طول زمان با تکرار همراه است، بنابراین در یک حوزه عملیاتی کنترل شده‌ای که منحصر به لحظه گفته شدن خود سخن نیست نگه داشته شده‌اند. [۳] کنش گفتار غیر بیانی اعمالش را در لحظه‌ای که گفتار انجام شده است اجرا می‌کند، باین حال تا حدودی آن لحظه، از قبل به صورت یک رسم و آیین در آمده است. آن لحظه هرگز یک لحظه صرف و تازه-ای نیست. «لحظه» در آیین و آداب یک لحظه تاریخی است که از مسیر آینده و گذشته خودش نیز فراتر رفته است، یک تأثیر اولیه و استنادهای

---

 convention<sup>۱</sup>
conventional<sup>۲</sup>ritual or ceremonial<sup>۳</sup>

آینده‌ای است که نمونه گفتاری را شکل داده و سپس آن را رها کرده است.

بنابراین، با توجه به ادعای آستین، درک کردن شدت عمل کنش غیر بیانی تنها زمانی ممکن است که «وضعیت کل<sup>۱</sup>» کنش گفتار توسط یک مسئله ساختاری مشخص شده باشد. اگر قراردادهای زبان‌شناختی موقت به عنوان یک آیین در نظر گرفته شوند، نمونه گفتار آن فراتر می‌رود و زیاده‌روی آن به طور کامل قابل دسترسی و یا قابل تشخیص نخواهد بود (گذشته و آینده یک گفتار نمی‌تواند با هر امر مسلمی شرح داده شود) بنابراین به نظر می‌رسد بخشی از آنچه که «وضعیت کل گفتار» را شکل داده است در رسیدن به یک فرم کلی در هر یک از نمونه‌های خاص آن ناتوان است.

از این رو، برای اینکه بفهمیم چگونه می‌توان در مورد آثار کنش گفتار قضاوت کرد، تنها پیدا کردن بافت مناسب برای یک کنش گفتار آن در یک مطلب کافی نیست. موقعیت گفتار یک نوع بافت ساده نیست، بلکه آن ممکن است به راحتی توسط حد و مرزهای موقعیتی و خاصی مشخص شده باشد. آزار دیدن توسط گفتار به دلیل رنج از دست دادن بافت متن است و آن نیز به خاطر این است که نمی‌داند شما کجا قرار دارید. در واقع ممکن است آنچه که درباره آزارهای کنش گفتار پیش‌بینی نشده است همان چیزی باشد که آزار آن را تشکیل می‌دهد، یعنی

---

total situation<sup>۱</sup>